

نگاهی به عملکرد موسسه تحقیقات واکسن و سرم‌سازی رازی پس از انقلاب اسلامی

مزیت‌های از دست رفته

مطلبی که می‌خوانید به قلم دکتر محمدعلی اخوی‌زادگان، رییس سابق موسسه تحقیقات واکسن و سرم‌سازی رازی تهیه شده که به وضعیت کلی تولید واکسن و سرم در این موسسه پس از انقلاب اسلامی و مزیت‌های آن در کشور می‌پردازد. هر چند که وزیر جهاد کشاورزی با اعلام خبر خوش تولید واکسن بروسلوز (ایریبا) که میلیون‌ها دلار صرفه‌جویی ارزی در پی خواهد داشت، موجی از خوشحالی را برای جامعه دامپزشکی کشور به ارمغان آورد، اما این مطلب نیز نگاهی کلی و انتقادآمیز بر روند کنونی تولید واکسن و سرم دارد.



مجله دام، کشت و صنعت بنا به رسالت خود مبنی بر سیاست بی‌طرفانه و ارایه تحلیل تا حصول راهکار مناسب، ضمن چاپ مطلب ذیل، عرصه‌ی پاسخگویی برای مسوولین فعلی این موسسه و همچنین قضاوت متخصصان و کارشناسان را باز می‌گذارد تا در نهایت، این خرد جمعی و همفکری کارشناسان به پیشرفت روزافزون و تعالی عملکرد موسسه بینجامد.

ارزش تولیدات موسسه در سال بالغ بر ۲۰۰ میلیون دلار یا ۱۸۵ میلیارد تومان است که در مقابل هزینه‌های جاری و عمرانی موسسه ۱۰ برابر ارزش افزوده را برای کشور ایجاد می‌نماید.

مدیریت موسسه در دوران حیات آن:
- موسسه رازی از بدو تاسیس در وزارت کشاورزی به صورت موسسه‌ای مستقل اداره می‌گردید.

- با تشکیل سازمان تحقیقات کشاورزی در سال ۱۳۵۳ به عنوان یکی از موسسات تابع آن سازمان.

- در اواخر سال ۱۳۶۹ با تصویب مجلس و انتقال وظایف امور دام به جهاد سازندگی، به وزارت جهاد کشاورزی ملحق گردید.

- از اواخر سال ۱۳۷۹ با ادغام دو وزارتخانه در وزارت جهاد کشاورزی به مجموعه سازمان تحقیقات آموزش و ترویج کشاورزی ملحق گردید.

اما نکته‌ی مهم در این دوران طولانی، مدیریت در داخل موسسه رازی است که ۳ دوره‌ی مشخص زیر را شامل می‌گردد.

۱- دوره مدیریت متخصص خارجی بر موسسه رازی طی سالهای ۱۳۲۹-۱۳۱۱.

۲- مدیریت متخصص ایرانی بر موسسه قبل از انقلاب ۱۳۵۷-۱۳۳۰.

از خصوصیات این دوره ثبات مدیریت است که ۲۵ سال از این دوران را دو نفر مدیریت

موسسه رازی با ۸۴ سال سابقه در تحقیق و تولید فرآورده‌های بیولوژیک یکی از مهمترین، معتبرترین و حساس‌ترین مراکز علمی تحقیقاتی تولیدی است که ابزار اساسی پیشگیری از بیماری‌های انسان، دام و طیور یعنی واکسن را تولید و عرضه می‌نماید.

این موسسه در سال ۱۳۰۳ هجری شمسی با تصویب ماده واحده‌ای در وزارت فلاحت و فواید عامه تاسیس گردید. ابتدا به تولید واکسن‌ها و سرم‌های مورد نیاز دام کشور اهتمام داشت ولی با شروع جنگ جهانی دوم و عدم ورود فرآورده‌های مورد نیاز از اروپا، وظیفه‌ی تولید فرآورده‌های مورد نیاز پزشکی نیز به موسسه رازی محول گردید.

این موسسه در طول دوران فعالیت خود همواره با انجام تحقیقات، دستیابی به دانش فنی جدید نسبت به تولید فرآورده‌های جدید اقدام و سبب بی‌نیازی کشور به بیگانگان گردیده است. به علاوه بار تولید انبوه این فرآورده‌ی حساس را در سطح نیاز کشور به دوش کشیده و همزمان به عنوان پشتوانه‌ای علمی در کنار سایر دستگاه‌های اجرایی و علمی در کمک به تشخیص سریع بیماری‌های جدید الوردونوپدید و بازپدید دستگاه‌های اجرایی کشور را یاری نموده است.

پس از ورود هر بیماری جدید نیز در جهت ساخت واکسن مناسب برای مبارزه و پیشگیری و بی‌نیازی کشور اقدام نموده است.



نموده‌اند. به علاوه اختیارات قانونی مناسب مدیریت، استقلال موسسه داشتن هیات امنای قوی است که منجر به رشد مناسب موسسه و رسیدن به دستاوردهای خوبی گردیده است.

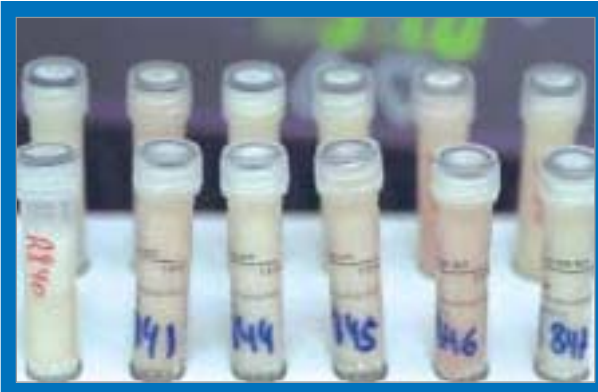
۳- دوران بعد از انقلاب با تغییرات متوالی مدیریت‌های کوتاه‌مدت (اداره موسسه با ۱۰ مدیر در ۲۸ سال) که باید به تاثیر این نوع مدیریت با دقت نظر و موشکافانه نگریست تا شاید راهی برای اعمال مدیریت مناسب‌تر در آینده فراهم گردد.

برای بررسی این امر بهتر است به یکی از شاخص‌های اساسی یعنی تولید توجه بیشتری داشته باشیم.

اگر سال ۱۳۵۶ را به عنوان سال پایه قبل از انقلاب در نظر بگیریم، موسسه رازی با تولید ۷۰۰ میلیون دز از ۴۰ نوع فرآورده، نیازهای کشور را با عنایت به جمعیت انسانی و دامی آن مرتفع نموده است.

بعد از پیروزی انقلاب، موسسه رازی هم مانند بسیاری از موسسات علمی کشور از یک طرف با جهان خارج قطع رابطه داشته و از طرفی به دلیل حساسیت فراوان همواره مورد تحریم کشورهای خارجی و در راس لیست سیاه آنها قرار گرفته است. ولی علی‌رغم این تنگناها هر گاه که فرصتی پیش آمد و از مدیریت آگاه و دلسوز بهره‌مند گردید، توانست با بهره‌برداری بهینه از امکانات نیروی انسانی و تجهیزات در جهت توسعه فعالیت‌های علمی تحقیقاتی و تولیدی اقدام و نیاز جمعیت روزافزون کشور به این فرآورده حیاتی را در انواع مختلف مرتفع نماید و کشور را از واردات بی‌نیاز گرداند. به نحوی که اوج این امر در سال ۱۳۸۳ خودنمایی می‌نماید که موسسه با تولید ۲/۴ میلیارد دز واکسن از بیش از ۶۰ نوع فرآورده متکی به دانش فنی بومی و ملی به ارزش بیش از ۲۰۰ میلیون دلار توانست در ارتقای جایگاه موسسه در همه صحنه‌ها موفق باشد.

تغییر مدیریت در اوایل سال ۱۳۸۴ و تغییر مجدد به فاصله ۶ ماه با روی کار آمدن دولت نهم که هر دو مورد همراه با نقض صریح ماده ۶ اساسنامه مصوبه است و انتصاب افرادی از



طرح‌های تحقیقاتی از سالی ۱۸۸ طرح در سال ۸۳ به ۸۸ طرح در سال ۸۵.

-انتشار سالانه ۱ شماره مجله علمی و برگشتن به روال سال‌های قبل.

-توقف طرح‌ها و پروژه‌های بازسازی و نوسازی و یا کند شدن روند آنها به نحوی که طرح‌های در دست اقدام که باید در آخر سال ۸۴ یا اوایل سال ۸۵ خاتمه می‌یافت و تولید در آنها با استانداردهای روز آغاز می‌گردید، نیمه کاره رها شد و ماشین‌آلات خریداری شده موجود در انبار که با صرف اعتبارات ارزی و مشقات زیاد خریداری شده بود، بلااستفاده مانده که از یک طرف سبب تعویق در دستیابی به استانداردهای روز، و از سوی دیگر افزایش هزینه‌های انجام طرح‌ها به دلیل تورم شدید سالانه و اتلاف بیت‌المال گردید و اعتبارات عمرانی نیز به نحو مطلوبی جذب نگردیده است.

دانشگاه منجر به بحرانی گردید که هم اکنون شاهد آن هستیم.

عدم شناخت دقیق موسسه و حساسیت‌های آن، عدم حضور دایم در موسسه و نظارت مداوم بر امور به دلیل نداشتن اشتغالات دانشگاهی و غیره، عدم حضور فعال در جلسات وزارت بهداشت و درمان، سازمان دامپزشکی، سازمان مدیریت و ... و عدم به کارگیری سیاست تعامل سازنده با همکاران علمی در موسسه و بسیاری نکات دیگر منجر به نتیجه‌ای گردید که اکنون شاهد آن هستیم.

-کاهش تولید واکسن از ۴/۲ میلیارد در سال ۸۳ به ۱/۷ میلیارد در سال ۸۵. یعنی تقریباً برگشت به تولید ۲۰ سال قبل در حالی که نیاز روزافزون جمعیت انسانی و دام کشور بسیار گسترده‌تر شده است.

-کاهش پروژه و

آمار تولید واکسن در موسسه رازی طی سال‌های مختلف (میلیون دز)

| سال | تولید (میلیون دز) |
|------|-------------------|
| ۱۳۵۶ | ۷۰۰ |
| ۱۳۶۱ | ۱/۳۰۵ |
| ۱۳۶۷ | ۱/۵۴۵ |
| ۱۳۷۱ | ۲/۰۷۶ |
| ۱۳۷۲ | ۱/۴۵۷ |
| ۱۳۷۳ | ۱/۶۵۲ |
| ۱۳۷۴ | ۲/۲۸۱ |
| ۱۳۷۵ | ۲/۴۴۸ |
| ۱۳۷۶ | ۲/۰۳۰ |
| ۱۳۷۹ | ۲/۶۰۹ |
| ۱۳۸۲ | ۴/۲۰۰ |
| ۱۳۸۴ | ۲/۶۹۴ |
| ۱۳۸۵ | ۱/۷۲۴ |

واکسن‌های انسانی عمل نماید و کشور را با تنگنا روبه‌رو ساخته و اجبارا مقامات وزارت بهداشت مجبور به خرید خارجی پیش‌بینی نشده برنامه گردیده‌اند تا بیش از ۶۷ درصد نیاز کشور را تامین نمایند.

تامین واکسن‌های مورد نیاز طیور در کشور نیز وضع مشابهی دارد. ولی این امر به دلیل سکوت مسوولین موسسه رازی و سازمان دامپزشکی و واردات مداوم واکسن‌های مورد نیاز در طی ۳ سال متوالی ۸۴، ۸۵ و ۸۶ که سالانه بالغ بر ۴/۵ میلیارد دز می‌گردد، فرصت مناسبی



را برای تولیدکنندگان خارجی و واسطه‌های داخلی آنها فراهم آورده است تا با استفاده از این فرصت طلایی، فرآورده‌های خود را با هر کیفیت به بازار ایران سرازیر نمایند و از این طریق سود سرشاری عاید آنها گردد، حتی به قیمت راکد ماندن ظرفیت‌های موجود و سرمایه‌ی ملی کشور.

اعلام تولید ۲ میلیون دز واکسن طیور در موسسه رازی برای سال ۸۶ در مصاحبه‌های رییس موسسه رازی را نیز می‌توان به عنوان چراغ سبزی برای واردکنندگان واکسن تلقی نمود تا با آسودگی خاطر به این امر بپردازند و نگرانی نداشته باشند زیرا موسسه رازی با تولید خود مانعی در راه آنها ایجاد نخواهد کرد.

آیا این اعلام در حالی که ظرفیت تولید بیش از ۴ میلیارد دز و نیاز کشور نیز سالانه نزدیک به ۶ میلیارد دز است، می‌تواند تعبیر دیگری داشته باشد.

آیا موسسه‌ای که همواره مورد توجه و عنایت همه کشورهای منطقه و جهان بوده و نیز سازمان‌های بین‌المللی نظیر WHO در برهه‌هایی از زمان برای مبارزه با بیماری‌ها به آن تکیه می‌کرده‌اند (نظیر تامین واکسن فلج اطفال و مبارزه با پولیو در کشورهای منطقه در چند سال متوالی) باید آن قدر ناکارآمد گردد که حتی نیازهای عادی کشور را که سال‌های طولانی به راحتی تامین نموده است قادر به تامین نباشد و با عدم اعلام به موقع این ناتوانی، مقامات بهداشتی کشور را در وضعیت اضطراری قرار دهد که سریعاً اقدام به خرید خارجی با قیمت‌های بالای ارزی نمایند و از این رهگذر میلیاردها تومان به کشور لطمه اقتصادی و احیاناً زیان‌های بهداشتی وارد گردد.

لازم به ذکر است که در ۷ ماهه اول سال ۸۶، موسسه رازی فقط توانسته است به کمتر از ۳۳ درصد نیاز کشور که تعهد نموده بود در زمینه

نگاهی دقیق به آمار تولید فوق بیانگر نکات ذکر شده و حساسیت مدیریت در موسسه رازی است. زیرا اعمال مدیریت‌های نامطلوب همواره سبب افت شدید تولید و وارد شدن لطمات فراوان به کشور از این رهگذر بوده است. چرا که کارکنان موسسه افراد علمی و زحمتکش و همواره آماده تلاش و در جهت تولید و توسعه علمی و رفع نیاز کشور هستند و این نحوه مدیریت بوده که گاه توانسته در تبدیل این پتانسیل بالقوه به بالفعل عمل نماید و گاهی به عنوان بازدارنده ایفای نقش نموده است.

مهمتر اینکه دستگاه‌های نظارتی وزارتخانه‌ای و ملی نیز هرگز نتوانسته‌اند این امر خطیر را به درستی ارزیابی نمایند.

آیا شرایط بسیار حساس کنونی جهان و موقعیت منطقه‌ای ما به لحاظ جغرافیایی بیماری‌های واگیر که هر آن می‌تواند امنیت بهداشتی کشور را به مخاطره‌اندازد، ایجاب می‌نماید که تنها موسسه علمی و توانمند کشور در این عرصه‌های تکنولوژی که مورد عنایت و توجه همه کشورهای منطقه و جهان است، این گونه مورد بی‌توجهی و بی‌مهری قرار گیرد؟ آیا دود این بی‌توجهی به چشم ملت شریف و مسلمان ایران نخواهد رفت؟

در حالی که بر اساس اسناد بالادستی موجود نظیر سند چشم‌انداز و برنامه‌های پنج ساله که مورد توجه و عنایت مقام معظم رهبری، سران سه قوه و همه مدیران ارشد دلسوز جامعه ما است و چشم به رسیدن به جایگاه اول منطقه در سند چشم‌انداز داریم با این بی‌توجهی همسویی دارد؟